

حاج حسن هر قولی را که به ما داد، وفا کرد



حضرت آقا دستی بر شانه شهید طهرانی مقدم گذاشتند و فرمودند: «تاکنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد، وفا کرد».

حضرت آقا دستی بر شانه شهید طهرانی مقدم گذاشتند و فرمودند: «تاکنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد، وفا کرد«.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، بعد از ظهر شنبه 21 آبان ماه، یکی از پادگان‌های پشتیبانی سپاه در اطراف تهران شاهد حادثه‌ای دردناک بود؛ حادثه‌ای که اگرچه سردار حسن طهرانی مقدم و یارانش را به آرزویشان -شهادت در راه خدا- رساند، اما دل‌های بسیاری را در غم فراغ این بزرگمردان اندوهناک کرد.

اکنون که نزدیک به چهل روز از آن حادثه می‌گذرد، پای صحبت‌های سردار محمد طهرانی مقدم، برادر شهید حسن طهرانی مقدم نشسته‌ایم. حاج محمد طهرانی مقدم که حالا دیگر برادر دو شهید است، با لحنی آغشته به افسوس و غبطه و البته با افتخار، از خصال نیک برادرش یاد می‌کند و خاطراتی از دیدارهای برادرش با رهبر معظم انقلاب را برای ما می‌گوید.

سوال / بسیاری از همسنگران و نزدیکان حاج حسن طهرانی مقدم خاطرات و ویژگی‌هایی را از او نقل کرده‌اند. شما به عنوان برادر این شهید بزرگوار مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شهید طهرانی مقدم را چه می‌دانید؟

- به گمان من، ویژگی‌هایی که در شهادت شهیدی همچون صیاد شیرازی بود که همه‌ی مملکت ما را از شهادتش داغدار کرد، در شهادت حاج حسن آقا هم بود. اولاً اخلاص شهید صیاد، که شهید طهرانی مقدم هم واقعاً همین‌گونه بود. نکته‌ی دوم هم بحث گمنامی ایشان بود. واقعاً حاج حسن آقا یک دانشمند برجسته و یک زاهد بی‌ادعا و گمنام بود. اگر هم در محافل و مجامع عمومی حضور می‌یافت، همیشه سعی می‌کرد در گمنامی باشد. این دو ویژگی به نظر من باعث شده که این‌قدر مردم ایران و به‌خصوص رهبر معظم انقلاب به این شهید عنایت دارند.

خداوند دست گره‌گشایی به او داده بود. هر مستمند و هر سائلی که به ایشان مراجعه می‌کرد، دست خالی بر نمی‌گشت. ایشان یک مرکز خیریه‌ای داشت که از طریق آن به صورت گمنام و پنهانی به نیازمندان کمک می‌کرد. کسانی می‌آمدند و وام می‌خواستند، مسکن می‌خواستند، جهیزیه می‌خواستند، به مادر می‌گفتند و حاج حسن آقا از این طریق به آنان کمک می‌کرد. افرادی پس از شهادت ایشان به من مراجعه کردند و از رسیدگی‌ها و دستگیری‌های حاج حسن آقا برایم گفتند.

در کارهای خیر همیشه پیش‌قدم بود. مبلغی پول را در یک صندوق قرض‌الحسنه گذاشته بود و از آن طریق به افرادی که به وام احتیاج داشتند، کمک می‌کرد. بسیار اتفاق می‌افتاد که کسانی وام دریافت می‌کردند، اما اقساط آن را پرداخت نمی‌کردند. حاج حسن آقا به جای این‌که ناراحت شود، به من می‌گفت خب حتماً پول ندارند که بدهند. آن‌قدر این اتفاق می‌افتاد تا آن پول تمام می‌شد و ایشان جایش پول دیگری می‌گذاشت و این کار همیشگی ایشان بود. در جمع دوستان و خانواده هم به تعظیم شعائر اهل بیت علیه‌السلام بسیار اهتمام داشت.

یکی از عوامل موفقیت حاج حسن آقا، جدیت توأم با انگیزه‌های الهی ایشان بود. در طول مسیر به ثمر رساندن پروژه‌ها، بارها با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شد؛ مشکلات سختی که بنده و همکارانش خیلی کم سراغ داشتیم افرادی را که با این قبیل مشکلات مواجه شوند. ایشان اما با تکیه‌ای که داشت و با روحیه‌ای قوی این مشکلات را حل می‌کرد و مسیرش را ادامه می‌داد.

سوال / به نظر شما چه مؤلفه‌ای در روحیه‌ی ایشان وجود داشت که رهبر انقلاب در دیدار با خانواده‌ی شهید گفتند عطش شهید طهرانی مقدم خیلی زیاد بود و گاهی جلوی آن را می‌گرفتند؟

- حاج حسن آقا افکار بلند و استراتژیکی داشت و این ناشی از اعتقادات و باورهایی بود که از نفس گرم حضرت امام و رهبر معظم انقلاب به او رسیده بود. فکر بلندی داشت. می‌گفت ما باید در مقابل دشمن آن‌چنان مجهز باشیم که حق این آیه را ادا کنیم: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِيبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مَنْ دُونَهُمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ« معتقد بود که ما باید در مقابل دشمن آن‌چنان دستمان پر و آتشین و آهنین باشد که این ترس همیشه در دل دشمنان ما باشد تا جرأت تهدید و مقابله با ما را نداشته باشند. به همین دلیل هم دنبال این بود که هر مقداری که دنیا در فناوری نظامی و تجهیزات دفاعی پیشرفت می‌کند، ایشان یک قدم جلوتر باشد. به همین دلیل هیچ‌گاه آرام نبود و به وضع موجود راضی نمی‌شد.

سوال/ حضور حضرت آقا در مراسم تشییع شهدای این حادثه و صدور پیام تسلیت و سر زدن به منزل شهید طهرانی مقدم، حکایت از اهمیت جایگاه این شهید دارد. شما در هر دو برنامه حضور داشتید. برای ما از نحوه‌ی مواجهه‌ی ایشان با خانواده‌ی شهید بگویید.

- حضرت آقا در مراسم تشییع شهدا، از بنده درباره‌ی والدینم پرسیدند که به ایشان گفتم، پدر ما سال‌ها است که از دنیا رفته و مادر ما هم حالشان مساعد نبود و نتوانستند در این مراسم حاضر شوند. ایشان هم فرمودند: «171#& سلام مخصوص من را به مادرت برسان و من از خدا می‌خواهم به ایشان صبر و سکینه عنایت کند.» این پیغام ایشان برای مادر ما و دل خانواده‌ی شهید، بسیار سکینه‌آور و آرام‌بخش بود.

حضرت آقا علاوه بر این که در مراسم تشییع تشریف آوردند و پیام تسلیت صادر فرمودند که غیر از تسلیای خاطر بازماندگان، برای همسنگران شهید هم راهگشا بود، محبت کردند و قدم بر چشمان ما گذاشتند و در منزل شهید حضور پیدا کردند و اسباب دلگرمی خانواده‌ی ایشان را فراهم کردند. دیدار با حضرت آقا بسیار صمیمانه و روحانی بود. ایشان ضمن احوال‌پرسی از خانواده‌ی شهید، از شرایط همسر و فرزندان سؤالاتی پرسیدند که همسر برادرم پاسخ گفتند و فرزندان‌شان را هم معرفی کردند و درباره‌ی وضعیت آنان توضیحاتی دادند. سپس حضرت آقا درباره‌ی حسن آقا فرمودند که من این شهید را بیش از بیست و پنج سال است که می‌شناسم و از روحیه‌ی تعالی‌جو و فعالیت‌های او کاملاً اطلاع داشتم و با او مأنوس بودم و در واقع رفیق بودم.

حضرت آقا آن شب به بازدید سال گذشته‌شان از دستاوردهای جهاد خودکفایی سپاه و فعالیت‌های برادرم و همکارانش در این مرکز اشاره کردند و دو نکته‌ی مهم را مورد توجه قرار دادند: اول این که دستاوردهای شهید طهرانی مقدم را بسیار عالی ارزیابی کردند. دوم این که فرمودند: شهید طهرانی مقدم جمعی از افراد نخبه و باتقوا را فراهم کرده و وارد این عرصه کرده بود. البته حضرت آقا در پیام تسلیت‌شان هم به این نکته اشاره کردند که این جمعی که ایشان در مجموعه‌ی جهاد خودکفایی سپاه جمع‌آوری کرده بود، توانایی ادامه‌ی راه این شهید را دارند.

در پایان دیدار هم حضرت آقا به حرف‌های خانواده‌ی ایشان به دقت گوش دادند و برای خانواده‌ی شهید طلب صبر و اجر کردند. البته حضرت آقا یک بار هم پیش از شهادت شهید طهرانی مقدم با خانواده‌ی ایشان دیدار داشتند. یکی از فرزندان خردسال حاج حسن آقا که آن زمان حدود 4 سال داشت، یک نقاشی کشیده بود و گفته بود که من می‌خواهم این نقاشی را به آقا هدیه کنم. نقاشی را به صندوق پست انداخته بود و اتفاقاً نقاشی از طریقی به دست حضرت آقا رسیده بود. ایشان هم با دیدن نقاشی خواستند این بچه و خانواده‌ی او را ببینند.

حضرت آقا فهمیده بودند که نقاشی برای فرزند حاج حسن آقا است. بالاخره خانواده‌ی شهید و مادر ما به همراه این بچه در جلسه‌ای خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدند و حضرت آقا این بچه را بغل گرفتند و او را مورد تفقد قرار دادند و سراغ حاج حسن آقا را هم گرفتند که خانواده پاسخ دادند ایشان در مأموریت است.

سوال/ آیا خاطره‌ی خاصی از ارتباط رهبر معظم انقلاب و شهید طهرانی مقدم به یاد دارید؟

یک خاطره‌ای که در ذهنم مانده، راجع به بازدید است که رهبر معظم انقلاب از مجموعه‌ی تشکیلات جهاد خودکفایی سپاه داشتند که زیر نظر حاج حسن آقا اداره می‌شد. یک روز جمعه‌ای در سال گذشته ایشان تصمیم به بازدید از این مجموعه گرفتند.

در این بازدید حضرت آقا دستی بر شانه‌ی این شهید گذاشتند و فرمودند: «171#& تاکنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد، وفا کرد.» من در آنجا یاد این آیه‌ی شریفه افتادم که «171#& مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (2) و واقعاً این نکته برای ما و دوستان هم‌رزمش خیلی جالب بود که حاج حسن آقا پروژه‌های بزرگ دفاعی و نظامی را در زمان‌بندی بسیار دقیق و به نحو احسن به انجام می‌رساند و به تعهد و قولش عمل می‌کرد.

خاطره‌ی دیگر که من از خود حاج حسن آقا شنیدم، از دوران دفاع مقدس بود. رهبر معظم انقلاب در دوره‌ی ریاست جمهوری خود به جبهه تشریف آورده بودند و از فعالیت‌های توپخانه‌ی سپاه هم بازدید کردند که تحت نظر شهید طهرانی مقدم بود. حاج حسن آقا به من می‌گفت آنجا به حضرت آقا گفتم: «171#& چون شما شیعه‌ی واقعی مولا امیرالمؤمنین هستی و من هستی (3) هستی، ما شما را دوست داریم.» حاج حسن آقا می‌گفت آقا فقط خندیدند و چیزی نگفتند، اما این صحبت حاج حسن آقا در ذهن همه‌ی هم‌زمان ایشان که در آنجا حاضر بودند، مانده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. سوره‌ی مبارکه‌ی انفال، آیه‌ی 60: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و

دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد- بترسانید. و هر چه در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

2. سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، آیه‌ی 23: از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند، پس برخی از آنها نذر خود را ادا کردند [به شهادت رسیدند] و برخی از آنها در [همین] انتظارند و هرگز پیمان خود را تغییر ندادند.

3. مَثْتٰی: مخفف واژه‌ی مشهدی؛ یک اصطلاح عامیانه و قدیمی مردم تهران برای این‌که بگویند کسی باوفا و دوست‌داشتنی است.